

خشونت جنسی علیه زنان در محیط شغلی

مولود مرادیان^۱

چکیده

در زمان کنونی خشونت یکی از موضوعات مرتبط با سلامت و ایمنی در محیط کار محسوب می‌شود. خشونت جنسی در محیط شغلی یک مسئله نگران‌کننده برای هر زن در هر محیط کاری و یک معضل جهانی است که در حال افزایش بوده و باعث عدم احساس امنیت در محیط کار برای زنان می‌شود. موضوع ارتکاب خشونت و آزار و اذیت جنسی در محیط شغلی علیه زنان یکی از دغدغه‌های مهم و حساس است. لذا این پژوهش با هدف بررسی خشونت علیه زنان شاغل در محیط کار با استفاده از روش تحلیلی توصیفی صورت گرفته است. زنان به‌عنوان بخش کلانی از جمعیت کشور، نقش مهمی در اشتغال و توسعه جامعه دارند. خشونت علیه زنان در محیط شغلی یکی از جرایمی است که امنیت زنان شاغل را به خطر می‌اندازد و پیامدهای زیان‌باری برای زنان به همراه دارد. بر اساس یافته‌های این تحقیق، زنان معمولاً به دلیل ترس از دریافت برچسب‌های ناروا، از دست دادن شغل، بی‌آبرویی و انزوا در مقابل این جرائم سکوت می‌کنند و در بهترین حالت سعی می‌کنند محیط کار خود را تغییر دهند و در بدترین حالت ممکن است تسلیم خواسته‌های مجرمان شوند. خشونت علیه زنان تأثیرات و تبعات گوناگون و مستمر هم برای فرد قربانی و هم برای سازمان و در کل جامعه دارد. این موضوع نه‌تنها برای سلامت و روانی زنان تأثیرگذار است، بلکه برای عملکرد سازمان و ارتباطات اجتماعی نیز تأثیرات مخربی دارد.

کلیدواژه‌ها: خشونت جنسی، محیط شغلی، زنان شاغل، خشونت

مقدمه

در زمان کنونی زنان در سراسر جهان به‌طور فزاینده‌ای به بازار کار وارد شده‌اند. این تحول مثبتی است که نشان‌دهنده پیشرفت جامعه‌ها و تغییرات در نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی است. با این حال، این تحولات همراه با چالش‌ها و محدودیت‌هایی نیز همراه است که باید به آن‌ها پرداخت. امنیت جسمی و روحی زنان در محیط کار یکی از مسائل مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. زنان شاغل نه تنها با مسائل مربوط به حقوق کمتر و عدم تساوی شغلی مواجه هستند، بلکه ممکن است با آزار و سوءاستفاده جنسی نیز روبرو شوند. این موضوع باعث به وجود آمدن نگرانی‌هایی درباره امنیت روانی و آینده شغلی آنان می‌شود. خشونت جنسی شامل یک طیف گسترده‌ای از رفتارها است که از مزاحمت‌های کلامی و تحقیر ذهنی تا سوءاستفاده‌های جنسی و تجاوز را در بر می‌گیرد. این نوع آزار و اذیت است و می‌تواند به هر شکلی از ارباب و تهدیدات تا اجبار و خشونت جنسی شامل شود. این اقدامات نه تنها به شخصیت و هویت افراد تجاوز می‌کنند، بلکه باعث تحقیر و تخریب اعتماد به نفس آن‌ها نیز می‌شود. خشونت جنسی می‌تواند شامل اقداماتی مانند تحریک جنسی ناخواسته، تجاوز، ارباب جنسی، تحقیر جنسی و هرگونه رفتاری که با هدف ارضای نیازهای جنسی خود و بدون رضایت و اجازه فرد دیگری انجام می‌شود، باشد. این اقدامات نه تنها به افراد آسیب جسمی و روحی وارد می‌کند، بلکه تأثیرات عمیقی بر روابط اجتماعی و حیات روزمره آن‌ها دارد. خشونت جنسی و فقدان امنیت روانی در محیط کار یکی از مسائل جهانی است که در بسیاری از کشورها مورد توجه قرار گرفته است؛ اما در ایران، تحقیقات کمتری در این زمینه انجام شده است. در حالی که مطالعات زیادی درباره خشونت علیه زنان و راه‌های مقابله با آن انجام شده است؛ اما موضوع خشونت جنسی زنان در محیط کار به‌طور جدی و همه‌جانبه مورد بررسی قرار نگرفته است. این موضوع اجتماعی، با وجود پیامدهای منفی که دارد، به دلیل قبح اجتماعی‌اش هنوز هم در جامعه و محیط‌های کاری وجود دارد و نیازمند بررسی‌های عمیق‌تر است. بررسی‌های عمیق‌تر و تحقیقات



گسترده‌تر در این زمینه می‌تواند به شناخت بهتری از این مسئله منجر شود و به ایجاد راهکارهای مؤثر واقعی برای پیشگیری و مقابله با آن کمک کند.

۱. بیان مسئله

خشونت جنسی در محیط کار یکی از مسائل جدی است که بر سلامت و امنیت زنان تأثیر مستقیم دارد. این مسئله، با افزایش شرکت زنان در بازار کار، به یک مشکل فراگیر اجتماعی تبدیل شده است؛ اما تا زمانی که دیدگاه‌های نابرابری قدرت و جامعه‌پذیری، به‌ویژه در میان مردان، وجود داشته باشد، قربانیان خشونت جنسی در محیط کار تردید دارند که آیا باید تجربیات خود را بیان کنند یا خیر. این امر باعث می‌شود که تمایل کمتری به گزارش دادن و بیان تجربیات مربوط به خشونت جنسی در محیط کار وجود داشته باشد. بیان تجربیات خشونت جنسی در محیط کار نیازمند حمایت و تضمین امنیت است. افراد باید اطمینان داشته باشند که اگر تجربیات خود را بیان کنند، مورد حمایت و حفاظت قرار خواهند گرفت. همچنین، ایجاد فرهنگ سازمانی مناسب و ارائه آموزش‌های مرتبط با پیشگیری از خشونت جنسی و ارتقاء امنیت محیط کار می‌تواند به افزایش اعتماد و تمایل به گزارش دادن موارد خشونت جنسی کمک کند. توجه کمتر به مسائل خشونت جنسی در محیط کار، از اهمیت آن نمی‌کاهد، بلکه اهمیت اقدامات عملی برای کاهش قربانیان و رفع پیامدهای منفی آن را دوچندان می‌کند. این مسئله نیازمند توجه جدی و اقدامات مؤثر است تا بتوان از آن جلوگیری کرد و محیط کارهای سالم و امنی را برای همه کارکنان فراهم کرد. همچنین به دلیل قبح بیان مسائل مربوط به خشونت جنسی، آمار دقیقی در دسترس نیست. این نشان می‌دهد که ممکن است بسیاری از موارد آزار جنسی در محیط کار، از دیدگاه‌های رسمی یا آماری، نادیده گرفته شوند؛ اما تجربیات آشنایان، دوستان و همکاران نشان می‌دهد که این نوع خشونت جنسی در محیط کار واقعیت دارد و این امر نیازمند توجه و اقدامات فوری است.

۲. مفهوم خشونت علیه زنان

خشونت مفهومی است که به طور عام به افراد ضعیف‌تر یا زیر سلطه قرار گرفته توسط افراد قدرتمندتر وارد می‌شود. این خشونت می‌تواند به صورت فیزیکی، روانی یا جنسی باشد؛ اما وقتی از خشونت جنسی صحبت می‌کنیم، معمولاً به مواردی اشاره داریم که شامل تحریک جنسی، تجاوز یا سوءاستفاده جنسی از فرد دیگری می‌شود. این نوع خشونت معمولاً به زنان و کودکان وارد می‌شود و می‌تواند به یک مسئله جنسیتی تبدیل شود. به طور کلی، زنان به دلیل شرایط فیزیولوژیکی و اجتماعی خود، به عنوان فراوان‌ترین قربانیان خشونت جنسی شناخته می‌شوند؛ اما خشونت جنسی یک مسئله جامعه‌شناسی و جنسیت‌شناسی است که نیازمند بررسی دقیق و جامع است. خشونت علیه زنان یک مسئله جداگانه و مهم در جامعه است و از آنجا که زنان به عنوان یک گروه آسیب‌پذیرتر در برابر خشونت هستند، تعریف خشونت علیه زنان نیاز به تأکید و تمرکز خاص دارد. در تعریفی که از خشونت علیه زنان ارائه شده، به وضوح به جنسیت و نقش زنان در جامعه اشاره شده است. این تعریف بر این اصل تأکید دارد که خشونت علیه زنان ناشی از نقش جنسیتی زنان و نقش قدرتمندتر افراد مرد است. تعریف دیگری که از خشونت علیه زنان ارائه شده است، به وضوح به اقتدار مالی، جسمانی، اجتماعی و عاطفی اشاره دارد که افراد قدرتمندتر برای اجبار زنان به انجام کارهایی که ممکن است برخلاف میل آن‌ها باشد، به کار می‌برند. (کریمی، ۱۳۹۵: ۱۴)

۳. خشونت جنسی

هرگونه نگاه توهین‌آمیز به زنان، تماس بدنی عمدی، تظاهر به اعمال جنسی در حضور زن، نمایش اعضای تناسلی، آدم‌ربایی به منظور تجاوز و انجام اعمال منافی عفت، ایجاد مراکز فحشا، قاچاق زنان، هر نوع بهره‌برداری تجاری از زنان از جمله تهیه عکس و فیلم از زنان و انتشار آن از طریق رسانه‌ها، مونتاژ عکس و انتشار آن، تشویق به فحشا، حمایت از فساد و تسهیل آن، زنا با محارم، اجبار به رابطه در



زمان عادت ماهیانه و بیماری و در نهایت شدیدترین نوع رفتار مجرمانه که متضمن خشونت جنسی است را می‌توان خشونت جنسی علیه زنان دانست. این‌گونه رفتارها نشان‌دهنده نقض حقوق اساسی زنان و انسانیت آن‌ها است. این نوع اقدامات نه تنها زنان را به شدت آسیب می‌زند، بلکه به‌طورکلی جامعه و راهبردهای زندگی انسانی و اجتماعی را نیز تهدید می‌کند. به همین دلیل، لازم است تا این نوع رفتارها به شدت محکوم شده و از آن جلوگیری شود.

در افغانستان، خشونت علیه زنان به چندین شکل وجود دارد و از جمله آن‌ها می‌توان به خشونت زناشویی، خشونت غیرکلامی، خشونت حقوقی و خشونت سیاسی اشاره کرد. خشونت جنسی نیز یکی از جدی‌ترین مشکلات زنان در این کشور است و به دلیل برخی تابوهای مرتبط با جنسیت در جامعه، بسیاری از موارد خشونت جنسی کتمان می‌شوند و گزارش نمی‌شوند. با این حال، در نیمه نخست سال ۲۰۲۰، ۲۶۲ مورد از قضایای خشونت جنسی علیه زنان در دفاتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به ثبت رسیده است که این رقم ۶/۳ درصد کل موارد خشونت علیه زنان در این دوره زمانی را شامل می‌شود. این رقم نسبت به نیمه نخست سال ۲۰۱۹ که ۲۵۶ مورد ثبت شده از خشونت جنسی علیه زنان بود، افزایش داشته است؛ به عبارت دیگر خشونت جنسی همچنان یکی از مشکلات جدی زنان در افغانستان است و باید با تلاش و همکاری همه اقشار جامعه، برای رفع آن تلاش شود.

خشونت جنسی یکی از بدترین و ناامن‌ترین نوع خشونت است که بر زنان و دختران وارد می‌شود. این نوع خشونت شامل هرگونه رفتار نامناسب و ناخوشایندی می‌شود که به نقض حقوق جنسی و اجتماعی فرد مبتلا به آن منجر می‌شود. از لمس ناخواسته تا تجاوز، هرگونه تعرض جنسی برای قربانیان خشونت جنسی پیامدهای جسمی و روانی بسیار وخیمی دارد. این اقدامات می‌تواند باعث ایجاد آسیب‌های جسمی و روانی عمیقی شود که برای قربانیان بسیار دشوار است. به‌عنوان مثال ازدواج اجباری و بارداری اجباری از مواردی است که در برخی جوامع مرسوم است. در این موارد، تصمیم‌گیری درباره بارداری و تعداد فرزندان به زنان داده نمی‌شود

و تصمیم‌گیری‌های آن‌ها تحت تأثیر مردان قرار می‌گیرد. این نوع خشونت باعث می‌شود که زنان از حقوق اساسی خود محروم شوند و نظر و اراده آن‌ها در مورد مسائل مهمی مانند بارداری نادیده گرفته شود. به‌طور کلی خشونت جنسی یک مسئله جدی است که نیازمند توجه و اقدام فوری جامعه و ارگان‌های مربوطه است تا بتوان این نوع خشونت را متوقف و قربانیان آن را حمایت کرد. (زنجان‌زاده و همکاران: ۱۳۹۳)

خشونت جنسی به هر نوع رفتار غیراخلاقی و ناپسندی اطلاق می‌شود که شامل هرگونه تعرض جنسی به یک فرد می‌شود، حتی اگر فرد مخالفت کند. این نوع خشونت می‌تواند از لمس ناخواسته تا تجاوز جنسی شامل تهدید، سوءاستفاده، صدمه و آسیب جنسی باشد. ازدواج اجباری، تجاوز جنسی، تن‌فروشی اجباری، ازدواج زودهنگام، ختنه زنان، تست باکرگی، اجبار برقراری رابطه جنسی در ایام عادت ماهانه و مواقع مریضی، توقعات غیرمتعارف در هنگام جنسیت و حاملگی اجباری، همه این‌ها مثال‌هایی از خشونت جنسی است. این نوع خشونت می‌تواند در هر محیطی اتفاق بیفتد، از خانه و خانواده تا محیط‌های کاری و اجتماعی. خشونت جنسی باعث می‌شود که زنان و دختران از حقوق اساسی خود محروم شوند و بدنشان تحت کنترل دیگران قرار بگیرد. این نوع خشونت پیامدهای جسمی و روانی بسیار دشواری برای قربانیان خود دارد و نیازمند توجه و پشتیبانی جامعه و ارگان‌های مربوطه است. (پاغوش، ۱۳۹۲: ۱۶)

۴. قوانین مربوط به خشونت جنسی علیه زنان

ازدواج حق تمتع جنسی یکی از حقوق و تکالیف مهم زوجین نسبت به یکدیگر است. این حق به معنای حق داشتن به رضایت و احترام متقابل در روابط جنسی بین همسران است. این رابطه به شرط ابتنا بر علاقه و احترام متقابل، باعث استحکام روابط و وفاداری و صمیمیت در خانواده می‌شود؛ اما متأسفانه در برخی موارد، مردان زنان را به تمکین برخلاف میلشان یا مجبور به رابطه جنسی غیرمتعارف می‌کنند که این اجبار می‌تواند آثار سوء جسمی و روحی برای آنان به دنبال داشته باشد. این



نوع اجبار به روابط جنسی غیر متعارف، به عنوان خشونت جنسی شناخته می شود و می تواند منجر به آسیب های جسمی و روحی برای زنان شود. این اقدامات می توانند باعث افزایش استرس، افسردگی، اضطراب، آسیب های جسمی و حتی صدمات جبران ناپذیر جسمی شود.

خشونت جنسی در خانواده، از جمله شامل عمل خشونت آمیز نزدیکی به عنف با همسر، یک مشکل جدی است که بسیاری از زنان به آن مبتلا می شوند. این مشکل ریشه در فرهنگ و عقاید غلط دارد که برخی مردان تصور می کنند که زن جزو اموال آن ها است و رضایت زن هیچ گاه برای انجام این رابطه لازم نیست. این دیدگاه نه تنها با اصول انسانی و حقوق بشر در تضاد است، بلکه باعث آسیب های جسمی و روحی برای زنان می شود. باید تأکید شود که هیچ گونه اجبار به روابط جنسی، حتی در ازدواج، قابل قبول نیست. رضایت و احترام متقابل در روابط جنسی بسیار حائز اهمیت است و هرگونه اجبار به انجام روابط جنسی تنها منجر به خشونت و آسیب های جسمی و روحی می شود. بنابراین برای رفع این مشکل، آموزش های فرهنگی و اجتماعی برای تغییر دیدگاه های اشتباه درباره حقوق زنان و احترام به رضایت آنان بسیار حائز اهمیت است. همچنین قوانین و مقررات قوی برای محافظت از حقوق زنان و پیشگیری از خشونت جنسی در خانواده و ازدواج ضروری است. (معظمی: ۱۳۸۳)

خشونت جنسی علیه زوجه، هرگونه رفتاری است که با هدف کسب لذت جنسی و بدون رضایت زوجه انجام می شود. این شامل هر نوع فعالیت جنسی از لمس کردن بدن تا مقاربت به صورت خشن و با استفاده از اجبار و زور می شود. اصلی ترین ویژگی این نوع خشونت، عدم رضایت و رضایت زور آمیز زوجه است. هرگونه بد رفتاری و خشونت که محور مرکزی آن موضوعات جنسی باشد، از مصادیق بزه دیدگی جنسی زوجه در خانواده محسوب می شود. متأسفانه در بسیاری از قوانین و مقررات، به ویژه در قوانین مجازات اسلامی و دیگر قوانین، به ارتکاب اعمال جنسی به عنف از سوی زوج با توجه به آسیب های روحی و روانی بسیار آن، توجه کافی



نشده است. این مسئله می‌تواند به‌عنوان نقطه آغاز بزهکاری زوجه باشد و باید با جدیت و توجه به آسیب‌های جدی که این نوع خشونت می‌تواند به زنان و خانواده‌ها وارد کند، مورد توجه قرار گیرد. لازم است که قوانین و مقررات مربوط به خشونت جنسی علیه زنان و زوجه‌ها با دقت بیشتری مورد بررسی و اصلاح قرار گیرد تا این نوع خشونت‌ها به‌درستی شناخته شده و مورد پیگیری قضایی قرار گیرند و متخلفان مجازات مناسبی را ببینند. (عظیم زاده اردبیلی و ریاضت: ۱۳۹۴)

از آنجا که جرائم جنسی غالباً بین کسانی رخ می‌دهد که با یکدیگر ارتباط صمیمانه و نزدیک دارند. از این رو مسئله برخورد با آن قدری پیچیده است و قانون‌گذار بر سر این دوراهی قرار می‌گیرد که آیا با این جرم همانند جرم‌های معمولی رفتار کند یا به مسائلی چون مشاوره و سازش و آشتی اهمیت دهد. حال اگر با این جرم همانند جرمی معمولی برخورد شود، موضوع عدالت کیفری مطرح می‌شود که حمایت از این طریق در برخورد با جرائم خانوادگی، بیانگر قدرت قانون در دستگیری، تعقیب و محکوم کردن آشکار جامعه در مورد رفتار و عمل شخص سوءاستفاده‌کننده است و مسئولیت فردی او را برای عملی که انجام داده، مورد تصدیق قرار می‌دهد و در غیر این صورت باید طراحی‌های قانونی‌اش در حیطه عدالت ترمیمی قرار گیرد. (عطاشنه و همکاران: ۱۳۹۱)

خشونت جنسی در تمامی اشکال آن، چه درون خانواده و چه در نهادهای اجتماعی و به‌صورت ناشناخته یا در اثر منازعات رخ دهد، جرمی است که بیشترین تأثیر روانی و جسمی را بر فرد قربانی می‌گذارد. این نوع خشونت می‌تواند باعث آسیب‌های عمیقی شود که ممکن است تا سال‌ها پس از وقوع آن، اثرگذار باشد و باقی بماند. بسیاری از بزه‌دیدگان خشونت جنسی، به دلیل فشارهای اجتماعی، احساسات شرم و ترس و عدم دسترسی به حمایت و حقوق قانونی، اقدام به گزارش این اعمال نمی‌کنند. از این رو بسیاری از این جرائم ممکن است بدون تحقق عدالت و جبران خسارت‌ها، بدون توجه به آسیب‌های جدی که به قربانیان وارد می‌کند، بی‌پاسخ بماند. (استل، زینستاخ: ۱۳۹۵)

۵. خشونت علیه زنان در محیط کار

تاریخ نشان داده است که زنان به دلیل جنسیت خود مورد تبعیض و خشونت قرار گرفته‌اند. این خشونت‌ها ممکن است در خانه، در محیط اجتماعی و حتی در محیط کار رخ دهد. این امر به دلیل آن است که از نظر فرهنگی و اجتماعی، قدرت و کنترل بیشتری در اختیار مردان بوده و آن‌ها به‌طور غالب‌تری در فضای عمومی حضور دارند. این نوع تبعیض و خشونت می‌تواند زنان را از شرکت کردن در مواقع مختلف اجتماعی، فرصت‌های شغلی و حتی از ادامه تحصیلات بازدارد.

تبعیض و خشونت علیه زنان در محیط کار شامل یک طیف وسیعی از موارد است که ممکن است به شکل‌های مختلفی رخ دهد. این شامل انواع مختلفی از خشونت می‌شود که اغلب بیشتر بر زنان تأثیرگذار است. عوامل مؤثر بر خشونت در محیط کار نیز می‌تواند شامل فرهنگ سازمانی، نقش‌های جنسیتی، قدرت و کنترل، نگرش‌های اجتماعی و ساختارهای قدرت باشد. علاوه بر این، مزاحمت جنسی در محیط کار نیز یک شکل خاص از خشونت است که بیشتر بر زنان تأثیر می‌گذارد. این مزاحمت ممکن است شامل تحریک‌های جنسی ناخواسته، تبعیض جنسی در حقوق و فرصت‌های شغلی، آزار جنسی و حتی آزار جنسی از سوی همکاران یا مدیران باشد. این موارد می‌تواند بر توانمندی زنان در محیط کار و همچنین رضایت و روانی آن‌ها تأثیر منفی بگذارد. مزاحمت جنسی شامل یک طیف گسترده‌ای از رفتارهای ناخواسته است که می‌تواند به‌صورت بصری، کلامی، رفتاری و حتی فیزیکی نمایان شود. این موارد می‌توانند شامل نظرات ناپسند، لمس بدون مجوز، تحریک‌های جنسی ناخواسته، تبعیض جنسی در حقوق و فرصت‌های شغلی و سایر موارد باشند. افزایش حساسیت نسبت به مسئله مزاحمت جنسی در محیط‌های کار در چند دهه اخیر، به همراه افزایش چشمگیر موارد مزاحمت جنسی در محیط کار، نشان‌دهنده اهمیت بالای این مسئله است. مزاحمت جنسی مشکل بسیاری از کارکنان است و هر ساله ده‌ها هزار نفر از زنان تجارب خود از مزاحمت جنسی را به کارفرمایان و سازمان‌ها گزارش می‌دهند.



موارد فوق‌الذکر می‌تواند تأثیرات عمیقی روانی و روان‌شناختی بر فرد داشته باشد و باعث افزایش استرس و ناراحتی شود. این موارد نه تنها بر توانمندی و رضایت زنان در محیط کار تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه نقضی از حقوق انسانی و حقوق کارگری محسوب می‌شود. آمارها نشان می‌دهد که مزاحمت جنسی یک مسئله شایع و جدی در کشورهای مختلف جهان است. به‌عنوان مثال، بر اساس یک گزارش در سال ۱۹۷۰، محققان تخمین زدند که از هر دو زن، یک زن قربانی مزاحمت جنسی می‌شود. این بررسی برای اولین بار نشان داد که این مسئله با یک آمار بالا روبرو است. همچنین گزارش‌ها نشان می‌دهد که سالیانه تقریباً ۱۶۰۰۰ مورد شکایت در خصوص مزاحمت جنسی توسط کمیسیون فرصت‌های شغلی آمریکا دریافت می‌شود که بیش از یک‌سوم آن‌ها در دادگاه‌ها مطرح می‌شود. این آمارها نشان می‌دهد که مزاحمت جنسی یک مسئله جدی است که نیازمند توجه و اقدامات فوری است. ضرورت اتخاذ تدابیر برای پیشگیری از مزاحمت جنسی و حمایت از قربانیان آن بسیار احساس می‌شود تا محیط‌های کاری و جامعه‌ها را از این نوع رفتارهای ناخواسته و آزاردهنده محافظت کنیم. (انارسن: ۲۰۱۱)

آمارهای انجمن صنعتی غرب در سال ۲۰۰۲ نشان داد که ۵۱ درصد زنان شاغل قربانی توجه مردان هستند که شامل سوءاستفاده‌های جسمی و متلک‌گویی‌های لفظی نسبت به زنان است. این نشان می‌دهد که مزاحمت جنسی و تبعیض جنسی در محیط کار یک مسئله جدی است و به‌وضوح نشان می‌دهد که زنان به‌عنوان یک گروه آسیب‌پذیر، به‌طور گسترده‌ای مورد تبعیض و آزار قرار می‌گیرند. (فیگز: ۱۳۸۴)

۶. مزاحمت جنسی در محیط کار

مزاحمت جنسی می‌تواند به طرق مختلفی تعریف شود و دیدگاه‌های مختلفی نسبت به آن وجود دارد. به‌عنوان مثال، کمیسیون «فرصت‌های برابر شغلی» ایالات متحده تعریفی از مزاحمت جنسی ارائه کرده است که به‌طور جامع‌تری این مسئله را بیان می‌کند. بر اساس این تعریف، مزاحمت جنسی شامل برقراری رابطه جنسی بدون



رضایت طرف مقابل، درخواست رابطه جنسی و هرگونه رفتار کلامی یا فیزیکی که بار جنسی داشته باشد و منجر به ارتقای شغلی یا تهدید برای از دست دادن شغل زنان شود، می‌شود.

این تعریف نشان می‌دهد که مزاحمت جنسی فقط محدود به برقراری روابط جنسی نیست، بلکه شامل هرگونه رفتار کلامی یا فیزیکی است که بار جنسی داشته باشد و می‌تواند منجر به تهدید یا آسیب شغلی شود. این تعریف نشان می‌دهد که مزاحمت جنسی یک مسئله جامع و پیچیده است که نیازمند توجه و آگاهی بیشتر از جامعه و سازمان‌های مختلف است.

مزاحمت‌های جنسی یک طیف گسترده از رفتارها را شامل می‌شود که می‌توان آن‌ها را به چند دسته‌بندی زیر تقسیم کرد:

۱. مزاحمت‌های کلامی: این نوع مزاحمت‌ها شامل گفتارهای شهوانی و خشونت‌آمیز است. در گفتار شهوانی، فرد با استفاده از الفاظ و اظهاراتی که متضمن مسائل جنسی است، به طرف مخاطب این نوع محتواها را ارائه می‌دهد. این موارد می‌تواند شامل داستان‌ها، شوخی‌ها، طنزهای جنسی، پرسش‌های شخصی یا جنسی، کنایه‌های جنسی، اظهارنظرهای جنسی در مورد ظاهر و لباس و همچنین ارائه پیشنهادها و جنسی ناخواسته باشد.

۲. مزاحمت‌های فیزیکی: این نوع مزاحمت شامل هرگونه لمس، فشار یا هر نوع تماس بدنی ناخواسته است که می‌تواند به طرف مقابل احساس ناخوشایندی و ناراحتی بدهد.

۳. مزاحمت‌های جنسی در محیط کار: این نوع مزاحمت شامل هرگونه رفتار جنسی ناخواسته، تبعیض‌آمیز یا مزاحمت‌آمیز در محیط کار است که می‌تواند به تحقیر، اذیت یا از دست دادن فرصت‌های شغلی منجر شود.

این دسته‌بندی‌ها نشان می‌دهد که مزاحمت جنسی یک مسئله گسترده است و می‌تواند شامل رفتارهای مختلفی باشد که از گفتار تا فعل و حتی در محیط کار رخ می‌دهد. این موارد نیازمند توجه و آگاهی بیشتر از سوی جامعه و سازمان‌های

مختلف است. (صادقی: ۲۰۱۴)

بر اساس نتایج برخی از مطالعات، مشخص شده است که مزاحمت‌های جنسی در محیط کار می‌تواند تأثیرات منفی جدی بر سلامت روانی افراد قربانی داشته باشد. این تأثیرات ممکن است شامل افسردگی، اضطراب، استرس، افزایش خشم و ناراحتی، کاهش اعتماد به نفس و احساس عدم امنیت باشد. افرادی که مورد مزاحمت جنسی قرار می‌گیرند، ممکن است احساس ناامنی، ناخوشایندی و احساس تحقیر شدن داشته باشند که منجر به اختلالات روانی می‌شود.

علاوه بر این مزاحمت‌های جنسی می‌تواند منجر به اختلالات خواب، کاهش تمرکز و توجه، افزایش استرس و حتی افزایش خطر ابتلا به اختلالات روانی مانند اختلال استرس پس از طلاق یا اختلال استرس پس از تجربه رویدادهای تراژیک شود. این تأثیرات منفی می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر کارایی و عملکرد در محیط کار تأثیر بگذارد و باعث کاهش بهره‌وری و افزایش نرخ غیبت و ترک شغلی شود. (شنون: ۲۰۰۶)

مزاحمت جنسی می‌تواند منجر به محدود شدن توانمندی‌های زنان در محیط کار شود؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از آنان ترجیح می‌دهند محیط کار خود را ترک کنند یا کار خود را در محیطی که تجربه ناخوشایندی داشته‌اند، به تعویق بیندازند. تجربه ناخوشایند مزاحمت جنسی ممکن است مدت‌ها ذهن زنان را درگیر کند و آن‌ها را از ابراز توانمندی‌هایشان بازدارد. علاوه بر این مزاحمت جنسی می‌تواند مانع پیشرفت اقتصادی زنان شود و آن‌ها را درگیر تنش‌های حاصل از این موضوع کند. این موضوع ممکن است منجر به تن دادن به خواسته‌ها یا استعفا دادن زنان شود. اگر زنان شغل خود را ترک کنند، این موضوع می‌تواند به‌شدت بر عملکرد آن‌ها تأثیر بگذارد و موجب کاهش انگیزه و میل آن‌ها برای پیشرفت شغلی شود و در نهایت ممکن است آن‌ها دلسرد شوند. همچنین مزاحمت جنسی ممکن است منجر به آسیب شدید اقتصادی زنان به‌عنوان یک گروه اجتماعی شود؛ زیرا ممکن است زنان به علت ترک کار مجبور به غیبت و انزوا شوند. این موضوع می‌تواند منجر به کاهش فرصت‌های



اقتصادی و اجتماعی زنان شود و آنها را از شرکت در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی دور نگه دارد. (کریستا: ۱۹۸۶)

بدون شک ایجاد یک محیط کار ایمن برای زنان بسیار حیاتی است؛ اما مسئله اشتغال زنان تبعات فراوانی دارد که ناامنی در محیط کار و مزاحمت جنسی از جمله آن تبعات است. این موارد به شکل های مختلف و متعدد در محیط کار برای زنان وجود دارد، از جمله شیوه های مدرن خشونت جنسی، تهدید و تحقیر جنسی و مزاحمت جنسی در محیط کار. آنچه قابل تأمل است، شیوع و بروز شیوه های مدرن خشونت در جهان معاصر و پیامدهای روانی و اجتماعی این پدیده بر بازماندگان است. سکوت زنان در برابر مزاحمت های جنسی، به دلایلی نظیر شرم، ترس از سرزنش و عدم حمایت نهادهای اجتماعی، موجب نبود آمارهای دقیق مربوط به مزاحمت جنسی می شود. این پدیده عمدتاً جمعیتی مبین وضعیتی است که مناسبات قدرت و بی قدرتی را به نمایش می گذارد. به طور کلی برای حل مسائل مربوط به اشتغال زنان، باید اقدامات قوی تری برای ایجاد محیط کار ایمن و آزاد از هرگونه خشونت جنسی انجام شود. این اقدامات باید شامل تشویق به گزارش دادن حوادث، ارائه حمایت های لازم به قربانیان و ایجاد فرهنگ سازمانی مناسب برای پیشگیری از مزاحمت جنسی باشد.

نتیجه گیری

زنان در محیط کار با انواع خشونت مواجه می شوند که می تواند شامل تبعیض، آزار و اذیت، تحقیر و حتی بدتر از آن باشد. این امر می تواند بر امنیت روانی و حتی فیزیکی زنان تأثیرگذار باشد و باعث ایجاد محدودیت ها و مشکلاتی برای آنان در محیط کار شود. با ورود زنان به عرصه های کاری، اهمیت ایجاد محیط کاری سالم و بدون خشونت برای همه شاغلین، بیشتر از هر زمان دیگری مشهود است. زنان در محیط کار ممکن است به عنوان یک گروه آسیب پذیرتر مورد خشونت قرار بگیرند. تحقیقات نشان می دهد که زنان ممکن است از سوی رؤسا، همکاران و ارباب رجوع



مورد خشونت قرار بگیرند. این امر می‌تواند از طریق تحقیر، تبعیض، آزار و اذیت، یا حتی به شکل‌های فیزیکی اتفاق بیفتد. این نوع خشونت می‌تواند احساس امنیت زنان را در محیط کار مخدوش کند و باعث ایجاد محدودیت‌ها برای شرکت کردن آنان در فعالیت‌های کاری و حرفه‌ای شود. این مسائل نشان‌دهنده اهمیت اقدامات فوری و مؤثر برای پیشگیری و مقابله با خشونت در محیط کار است و نیازمند توجه و همکاری همه افراد و سازمان‌ها برای ایجاد یک محیط کاری سالم و بدون خشونت است. عدم احساس امنیت در محیط کار یکی از مسائل جدی است که برای زنان شاغل مشکلات جبران‌ناپذیری ایجاد می‌کند. این مشکلات می‌تواند شامل از دست دادن اعتماد به نفس، اضطراب، افسردگی، اختلالات خواب، کاهش عملکرد شغلی و حتی مشکلات فیزیکی ناشی از استرس و اضطراب باشند. در عین حال، فقدان یک پرسشنامه و ابزار مناسب جهت سنجش ابعاد و میزان خشونت علیه زنان در محیط کار یک خلأ مهم است. این ابزارها می‌تواند به محققین و سازمان‌ها کمک کند تا خشونت در محیط کار را به صورت دقیق‌تر شناسایی کرده و برای پیشگیری و مقابله با آن اقدامات مؤثرتری انجام دهند. بنابراین توسعه پرسشنامه‌ها و ابزارهایی برای سنجش خشونت علیه زنان در محیط کار می‌تواند یک قدم مهم در جهت ایجاد محیط کاری سالم و بدون خشونت باشد.

فهرست منابع

۱. پاغوش، مهسا، (۱۳۹۲)، سیاست جنایی تقنینی ایران در مقابله با خشونت علیه زنان، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۲. زنجانی زاده، هما، ابراهیم صالح آبادی، ابراهیم و جعفریان یزدی، ندا، (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر خشونت خانگی علیه زنان در مشهد، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۹، شماره ۴۶/۲-۷
۳. زینستاخ، استل، (۱۳۹۵)، عدالت ترمیمی در پرونده‌های خشونت جنسی: ظرفیت‌ها، چالش‌ها و مسیر پیشرو، چکیده مقالات همایش بین‌المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، تهران: نشر میزان.
۴. عطاشنه، منصور، بصیری نیا، ابوالحسن و ابراهیمی نسب، یوسف، (۱۳۹۱)، بررسی علل و عوامل آثار جرائم جنسی علیه زنان در منظر قوانین حقوق کیفری ایران. زن و فرهنگ، ۳ (۱۱)، ۹۹-۱۰۹. SID. <https://sid.ir/paper/189758/fa>
۵. عظیم زاده اردبیلی، فائزه؛ ریاضت، زینب، (۱۳۹۴)، سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرائم علیه زوجه در خانواده، دو فصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، دوره ۲۰، شماره ۶۳، ۶۷-۴۳.
۶. فیگز، کیت، (۱۳۸۴)، زنان و تبعیض جنسی و افسانه فرصت‌های برابر، مترجمان اسفندیار زندپور به دخت مال امیری، ناشر گل آذین.
۷. کریمی، زهرا، (۱۳۹۵) بزهکاری و بزه دیدگی زنان مطلقه (مطالعه موردی شهر اصفهانی)، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۸. معظمی، شهلا، (۱۳۸۳)، جرم شناسی خشونت خانگی و همسرکشی در سیستان و بلوچستان، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۲.
9. Einarsen Stail, H. D. Z. H., Cooper L Cary (2011). Bullying Harassment in the Workplace. nternational Standard Book.



10. Krista, S. H. J. (1986). "Theory of Tort liability for Sexual Harassment in the Workplace." University of Pennsylvania law Review: 134-141.
11. Sadeghi Fasaei, S. a. A. A. S. N. a. P. D. a. M. G. (2014). "Women's Perception and Impressions of Victimization (Qualitative Study in Tehran)." Social Studies Studies in Iran 2(3(392-412).
12. Shannon. C, R. K. M., Richman. J. A (2006). "Workplace Harassment Patterning Gender and Utilization of Professional Services." University of Illinois at Chicago: 1178-1192.

